

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸ / ۱۱ / ۲۵

موضوع: معارفی ناب، از زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

(سخنرانی در حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها))

فهرست موضوعات این سخنرانی:

ارزش حقیقی محبت و ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

معارفی ناب، از زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

(الف) تاریخ ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

(ب) خلقت نوری حضرت زهرا (سلام الله علیها)

(ج) کیفیت ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

(د) هدیه بسیار فرح بخش، برای شیعیان

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين لاحول ولا قوة الا بالله العلي العظيم حَسْبُنَا
اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَاسْتَعْنْتُ بِذِي الْعِزَّةِ وَالْقُدْرَةِ
وَالْجَبْرُوتِ.

ثم الصلاة والسلام على سيدنا وسيد الاولين والآخرين حبيبنا وحبیب اله العالمين الذي سمي في السماء باحمد
و في الارض بابي القاسم محمد وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المنتجبين المكرمين لاسيما
مولانا وسيدنا حجة ابن الحسن (روحي و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداه)

اما بعد قال الحكيم عز من قائل «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ، إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»

ميلاد خجستهی فاطمه زهرا، صديقه كبرى، أُمُّ الْأَيِّمَةِ النَّجْبَاءِ را، به پیشگاه مقدس مولایمان بقية الله الاعظم (اروحنا لتراب مقدمه الفداء) و صاحب نعمت‌مان فاطمه معصومه (سلام الله عليها) و همه علاقمندان و شیفتگان اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

خدا را قسم می‌دهم به آبروی این بانوی دو سرا، عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان ولی عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) قرار بدهد. ان شاء الله.

قبل از آغاز سخن، برای این‌که محفل‌مان را با جمله‌ای از این بزرگوار منور کنیم، روایتی از صديقه طاهره تقدیم می‌کنم و بعد عرایضی هم ان شاء الله به خدمت شما گرامیان عرض می‌کنم.

ارزش حقیقی محبت و ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

جمله‌ای زیبا از فاطمه زهرا است که ارزش دارد با طلا نوشته شود و همواره در جلوی چشم ما این جمله صديقه طاهره، نورانیت بدهد فرمودند:

«أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقُّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ»

سعادت واقعی و حقیقی در يك جمله خلاصه است و آن‌هم محبت علی ابن ابی‌طالب در حیات علی و بعد از حیات امیرالمؤمنین است.

الأمالی (للصدوق)؛ ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: ندارد. ناشر: کتابچی، ص ۱۸۲، المجلس

الرابع والثلاثون

در این جمله، صدیقه طاهره (سلام الله علیها) یک پرده‌ای از روی حقیقتی بر می‌دارد و اعلام می‌کند که سعادت، نه با خواندن نماز زیاد، نه با روزه گرفتن، نه با حج و جهاد و... است. بلکه تمام سعادت‌ها در خانه امیرالمؤمنین، محبت امیرالمؤمنین و ولایت امیرالمؤمنین است.

از علمای بزرگ اهل سنت «خوارزمی» در کتاب «مناقب» روایتی را از رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) خطاب به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل می‌کند. روایت خیلی زیبا و نورانی است. می‌فرماید:

«یا علی لو أن عبدا عبد الله عز وجل مثل ما قام نوح في قومه وكان له مثل أحد ذهباً فأنفقه في سبيل الله ومد في عمره حتى حج الف عام على قدميه»

اگر خداوند به یک بنده‌ای عمر طولانی مثل حضرت نوح به او عنایت کند - که نهصد و پنجاه سال فقط دوران نبوت حضرت نوح طبق تصریح قرآن است - در تمام این عمر خدا را عبادت کند، همانند کوه احد، طلا در راه خدا انفاق کند، هزار بار با پای پیاده به زیارت خانه خدا برود.

«ثم قتل بين الصفا والمروة مظلوما»

مظلومانه در بین «صفا و مروه» کشته شود

«ثم لم يوالك يا علي لم يشم رائحة الجنة ولم يدخلها»

اگر با این عمل ولایت تو را نداشته باشد نه وارد بهشت می‌شود و نه بوی بهشت به مشام او می‌رسد.

المناقب؛ الخوارزمي، الموفق بن احمد بن محمد المكي (المتوفي 568هـ)، تحقيق : الشيخ مالك

المحمودي - ناشر : مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، چاپ : الثانية

ولذا این جمله صدیقه طاهره خیلی از مسائل را روشن می‌کند. من بارها عرض کردم یکی از بزرگترین نعمتهایی که خدای عالم به ما شیعیان عنایت کرده، بدون آن که برای او عملی انجام داده باشیم، و یا کاری کرده باشیم، ولایت اهل بیت عصمت و طهارت است.

اگر خدای عالم به ما از اول خلقت تا آخر خلقت عمر دهد، تمام این عمرمان را در يك سجده شکر، به خاطر نعمت ولایت انجام دهیم، بنده عقیده‌ام بر این است که حق این نعمت را نتوانسته‌ایم ادا کنیم!

به تعبیر آقا امام صادق (سلام الله علیه) آن وقتی که ملك الموت می‌آید، زمان انتقال ما از این دنیای فانی به عالم باقی می‌رسد، آن وقت مردم قدر نعمت ولایت را می‌فهمند. ارزش ولایت را آن وقت می‌فهمند. راوی می‌گوید حضرت به حلقومش اشاره کرد گفت: "وقتی جان به این جا رسید خواهید دید."

«معلی بن خنیس» می‌گوید من در جمع صحابه بودم به یکی از صحابه‌ای که نزدیک امام صادق بود به رانش مشت زدم و گفتم از آقا بخواهید بگوید چه چیزی می‌بینیم؟ سوال کرد آقا جان ما چه می‌بینیم؟ حضرت پاسخ نداد. دوبار سه بار سوال تکرار شد.

بعد حضرت فرمود: "وقتی جان به لب می‌رسد، خواهید دید علی ابن ابی طالب (سلام الله علیه) به عیادت شما آمده و می‌فرماید:

« يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَبْشِرْ أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي كُنْتُ تُجِبُهُ »

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی

اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج ۳، ص ۱۲۵، بَابُ مَا يُعَايِنُ الْمُؤْمِنُ وَ الْكَافِرُ، ح ۱

من همان علی هستم که به او عشق می‌ورزیدی و به او محبت می‌کردی و از او یاد می‌کردی. بشارت باد بر تو ای شیعه من، از هرگونه سختی‌های جان‌کندن، سختی‌های قبر و برزخ و سختی‌های قیامت! بشارت باد بر تو بهشت در جوار اهل بیت عصمت و طهارت.

لذا حضرت صدیقه طاهره می‌فرماید: "حقیقت سعادت، و سعادت واقعی در محبت و ولایت علی ابن ابی‌طالب است."

معارفی ناب، از زندگانی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

اما عرایضی که در این چند دقیقه می‌خواهم خدمت شما گرامیان تقدیم کنم، چند نکته در مورد حضرت زهرا (سلام الله علیها) است.

الف) تاریخ ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

شب بیستم این ماه بعد از طلوع فجر و قبل از طلوع آفتاب، زمان ولادت صدیقه طاهره است. در رابطه با این که فاطمه زهرا در چه سالی به دنیا آمده است، میان اهل سنت اختلاف عجیبی است.

«بنی امیه» و «بنی العباس» تمام تلاش‌شان بر این بود تا تاریخ اهل بیت را وارونه نشان بدهند و با سخنان مختلف، مردم را سردرگم کنند.

«هیثمی» متوفای ۸۰۷ هجری و از استوانه‌های علمی اهل سنت است. ایشان در «مجمع الزوائد»، جلد ۹، صفحه ۲۱۱ و «طبرانی» متوفای ۳۶۰ هجری است ایشان در «معجم کبیر» جلد ۲ صفحه ۲۰۲ می‌گویند: "فاطمه هفت سال قبل از بعثت به دنیا آمده است."

«ابن عبدالبر» باز از استوانه‌های علمی اهل سنت است در کتاب «الاستیعاب فی معرفة الاصحاب» جلد ۴ صفحه ۱۸۹۳ می‌گوید: "صدیقه طاهره سال اول بعثت به دنیا آمده است."

«مسعودی» که بعضی‌ها او را سنی می‌گویند و بعضی هم او را شیعه می‌گویند، بعضی او را می‌گویند نه شیعه است و نه سنی! چندی قبل خدمت آیت الله العظمی «شبیری زنجانی» بودم ایشان فرمود: " من به این نتیجه رسیده‌ام که «مسعودی» صاحب «اثبات الوصیة» شیعه است."

ایشان آن‌جایی که مطالبی به نفع اهل سنت می‌گوید این آقا سنی می‌شود و اهل سنت به سخنانش استناد می‌کنند؛ آن‌جایی که به نفع شیعه سخن می‌گوید این آقا شیعه می‌شود و سخنانش برای آن‌ها ارزشی ندارد! ایشان هم در کتاب «اثبات الوصیة» جلد اول صفحه ۱۵۷ می‌گوید:

«ولدت سیّدۃ النساء فاطمة (صلوات الله علیها) بعد مبعث السید رسول الله صلی الله علیه و آله بخمس سنین»

فاطمه صدیقه پنج سال بعد از بعثت به دنیا آمده است!

إثبات الوصیة للإمام علی بن أبی طالب، نویسنده: مسعودی، علی بن حسین، محقق / مصحح: ندارد، ناشر: انصاریان ص ۱۵۷

این همان نظری است که بزرگان شیعه و اهل‌البیت که «ادری بما فی‌البیت» هستند هم، همین نظر را دارند. مرحوم «کلینی» در کتاب «کافی» جلد اول صفحه ۴۵۸ بابی به نام باب مولد الزهرا (سلام الله علیها) دارد. ایشان هم بطور قاطع و بدون تردید می‌گویند:

«وُلِدَتْ فَاطِمَةُ عَلِيَّهَا وَ عَلِيٌّ بِغَلِيهَا السَّلَامُ وَوُلِدَتْ بَعْدَ مَبْعَثِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) بِخَمْسِ سِنِينَ»

فاطمه زهرا درود خدا بر او و بر همسرش باد، پنج سال بعد از بعثت به دنیا آمد.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی

اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج ۱، ص ۴۵۸، بَابُ مَوْلِدِ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ (علیها السلام)

فاطمه صدیقه، هشت سال در مکه بودند. در سال دوم هجرت با امیرالمؤمنین ازدواج کردند و هیجده سال و هفتاد پنج روز از عمرشان گذشته بود که این دنیا را وداع کردند.

«ابن شهر آشوب» هم که از مورخان نامی شیعه است، و عمده مسائل تاریخی ما توسط «ابن شهر آشوب» و قبل از او توسط «شیخ مفید» ترسیم شده است، ایشان هم در «مناقب» جلد ۳ صفحه ۳۵۷ همین قضیه را مطرح می کند که صدیقه طاهره ساعات اول فجر روز جمعه، قدم به این عالم گیتی نهاد.

(ب) خلقت نوری حضرت زهرا (سلام الله علیها)

نکته دوم بحث خلقت نوری صدیقه طاهره است. در کتب اهل سنت و در کتب شیعه روایات متعددی داریم، یکی دو تا نیست. شاید ۳۰ تا ۳۵ روایت داریم که نطفه صدیقه طاهره، نطفه بهشتی است. خلقت فاطمه زهرا، خلقت نوری است.

مرحوم «شیخ صدوق» (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب «معانی الاخبار» صفحه ۳۹۶ روایت مفصلی را از آقا امام صادق (سلام الله علیه) از نبی مکرم نقل می کند که حضرت فرمود:

«خُلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»

خدای عالم نور فاطمه را قبل از آن که آسمان و زمین را بیافریند، آفریده است.

«فَقَالَ بَعْضُ النَّاسِ يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَلَيْسَتْ هِيَ إِنْسِيَّةً»

بعضی عرض کردند یا رسول الله آیا فاطمه زهرا جزء انس نیست تا ولادت او در این عالم خاکی و

ناسوت باشد؟

رسول اکرم فرمود:

«فَاطِمَةُ حُورَاءُ اِنْسِيَّةٌ»

معانی الأخبار؛ ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: دفتر انتشارات

اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۳۹۶

فاطمه از يك جهت كه خلقت نوری دارد، حوراء است. از يك جهت كه در این دنیا همانند دیگران به دنیا آمده است، انسیه است.

بعد «شیخ صدوق» روایت خیلی مفصلی را نقل می‌کند که رسول اکرم می‌فرماید: "نطفه فاطمه زهرا از میوه بهشتی است". روایت در این زمینه زیاد است.

من روایتی را که باز «شیخ صدوق» در کتاب «امالی»، صفحه ۴۶۱ دارد خدمت تان می‌خوانم البته این غیر از کتاب «معانی الاخبار» است. که مربوط به معراج نبی مکرم است. این روایت در کتب اهل سنت هم مفصل آمده است.

نبی مکرم فرمودند: در معراج که رفته بودم، جبرئیل دست من را گرفت:

«فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ»

من را وارد بهشت کرد میوه‌ای از میوه‌های بهشتی را به من داد. در بعضی از تعبیر تعبیر «رطب» دارد و در بعضی از تعبیر «تفاح» است. شاید هر دو هم بوده. از میوه‌های بهشتی که سیب بود در اختیار من قرار داد فرمودند من میوه‌ای به آن زیبایی و با آن لذت و شیرینی تا به حال نخورده بودم.

وقتی این سیب را نصف کردم تا بخورم دیدم از داخل این سب نور تَلَأُوْ می‌کند، و وقتی آن را خوردم، این در صلب من قرار گرفت.

«فَلَمَّا هَبَّطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ»

من از معراج برگشتم با «خدیجه» همبستر شدم و نطفه فاطمه زهرا از آن میوه بهشتی منعقد شد.

الأمالی (للسدوق)؛ ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: ندارد. ناشر: کتابچی، ص ۴۶۱

«معجم کبیر طبرانی» جلد ۲۲ صفحه ۴۰۰ روایتی را از عایشه همسر پیامبر نقل می‌کند می‌گوید یا رسول الله ما می‌بینیم خیلی زیاد فاطمه را به آغوش می‌گیری. بیش از دیگران او را می‌بوسی، بیش از دیگران به او محبت و عشق می‌ورزی. چرا؟

حضرت فرمود:

« إِنَّهُ لَمَّا كَانَ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ أُدْخِلْتُ الْجَنَّةَ، فَوَقَفْتُ عَلَى شَجَرَةٍ مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ لَمْ أَرَى فِي الْجَنَّةِ شَجَرَةً هِيَ أَحْسَنُ مِنْهَا حُسْنًا، وَلَا أَيْضَ مِنْهَا وَرَقَةً، وَلَا أَطْيَبَ مِنْهَا ثَمَرَةً فَتَنَاوَلْتُ ثَمَرَةً مِنْ ثَمَرَتِهَا فَأَكَلْتُهَا فَصَارَتْ نُطْفَةً فِي صُلْبِي، فَلَمَّا هَبَّطْتُ الْأَرْضَ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ، فَإِذَا أَنَا اشْتَفْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ سَمَمْتُ رِيحَ فَاطِمَةَ»

المعجم الكبير؛ اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني الوفاة: ۳۶۰، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ۲۲،

ص ۴۰۰

حضرت می فرماید: من وقتی دلم هوای بهشت می‌کند فاطمه را می‌بوسم و فاطمه را می‌بوسم.

روایات متعددی آقایان آورده‌اند نه تنها قضیه صدیقه طاهره بلکه نور اهل بیت عصمت و طهارت هم همه آسمانی هستند. در «زیارت جامعه کبیره» هم می‌خوانیم:

«خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُخَدِّقِينَ»

من لا يحضره الفقيه؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۶۱۳، زیارة جامعۀ لجمیع الأئمة (علیهم السلام)

خدای عالم قبل از این که این عالم را بیافریند، قبل از آن که عرش و کرسی را بیافریند، قبل از آن که ملائکه را خلق کند، نور محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین را خلق کرده است.

روایتی را «احمد بن حنبل» رئیس مذهب «حنابله» که متوفای ۲۴۱ هجری است در کتاب «فضائل الصحابه» در جلد ۲ صفحه ۶۶۲ آورده است. حضرت می فرماید:

«كنت انا وعلي نورا بين يدي الله عز وجل قبل ان يخلق آدم بأربعة عشر ألف عام»

خدای عالم نور من و علی را چهارده هزار سال نوری قبل از خلقت آدم آفریده است.

فضائل الصحابة؛ اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني الوفاة: ۲۴۱، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصي الله محمد عباس، ج ۲، ص ۶۶۲، ح ۱۱۳۰

در این زمینه شاید ما بالای ۵۰ روایت در کتب اهل سنت داریم. حتی «ابن تیمیه حرانی» بزرگ نظریه پرداز وهابیت، و دشمن سرسخت اهل بیت؛ یعنی اگر ما بخواهیم در عالم يك ناصبی به تمام عیار معرفی کنیم، در رأس آن «ابن تیمیه» است.

ولی نسبت به نور اهل بیت عصمت و طهارت نتوانسته حقایق را انکار کند. ایشان کتابی به نام «مجموع الفتاوی» دارد که ۲۷ - ۲۸ جلد است. در جلد ۲ صفحه ۹۵ قضیه «حضرت آدم علی نبینا وآله وعلیه السلام» را مطرح می کند که از بهشت بیرون آمد:

(فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)

سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت؛ (و با آنها توبه کرد.) و خداوند توبه او را پذیرفت؛ چرا که خداوند توبه پذیر و مهربان است.

سوره بقره (۲): آیه ۳۷

در ذیل این آیه می گوید «حضرت آدم» به عرش نگاه کرد، دید نور محمد و آل محمد صلوات علیهم اجمعین در کنار عرش الهی منقوش است. خدا را به این نور قسم داد.

البته باز خبائثی که ایشان دارد این است که نام رسول اکرم را می آورد، نام آل محمد را حذف می کند با این که «سیوطی» در کتاب «الدرالمنثور» جلد ۱ صفحه ۳۲۴ می گوید «حضرت آدم» وقتی نگاه کرد دید نام رسول اکرم و آل او در کنار عرش نوشته شده است.

در بعضی از روایات نقل می کند نور محمد، علی و فاطمه، حسن و حسین در کنار عرش نوشته شده و خدا را به او قسم داد، و توبه کرد:

«سَأَلَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِلَّا تَبَتَ عَلَيَّ فَتَابَ عَلَيَّ»

الدر المنثور؛ المؤلف: عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: ۹۱۱هـ)، الناشر: دار

الفكر - بيروت؛ ج ۱، ص ۱۴۷

خدای عالم به او وحی کرد یا آدم چطور من را به این انوار پاک قسم دادی؟ «حضرت آدم» عرض کرد خدایا دیدم نام این خمسه طیبه در کنار نام تو منقش شده فهمیدم اینها محبوبترین خلایق تو هستند که نامشان در کنار نام تو است و لذا تو را به آن قسم دادم. بعد خدای عالم فرمود:

«هُؤْلَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَ هُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِي وَ لَوْ لَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ»

اگر این رسول و خمسه طیبه و آتش نبودند تو را من نمی آفریدم!

عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، تاریخ وفات مؤلف: ۳۸۱ ق، محقق /

مصحح: لاجوردی، مهدی، ناشر: نشر جهان تهران، سال چاپ: ۱۳۷۸ ق، نوبت چاپ: اول؛ ج ۱، ص ۳۰۷

می فرماید: اگر این رسول و خمسه طیبه و آتش نبودند تو را من نمی آفریدم! نه تنها تو را نمی آفریدم، اصلا عالم را نمی آفریدم. اینها هدف نهایی و غایی خلقت هستند. این هم نکته دوم.

ج) کیفیت ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

نکته سوم در رابطه با کیفیت ولادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. باز هم در این جا چه اهل سنت و چه شیعه مطالب زیاد دارند. مرحوم «شیخ صدوق» در کتاب «امالی» صفحه ۵۹۳ و «دلائل الامامة» اثر «طبری» هم صفحه ۷۱ تا ۷۳ مفصل قضیه را آورده است.

«مفضل ابن عمر» از امام صادق (سلام الله علیه) سوال می کند یا بن رسول الله:

« كَيْفَ كَانَ وِلَادَةُ فَاطِمَةَ »

فاطمه چطور به دنیا آمد، ولادت زهرا چگونه بود؟

همه می دانستند ولادت حضرت زهرا ولادت عادی و طبیعی نیست. اگر طبیعی بود، نیازی به سوال ندارد. فرمود:

«إِنَّ خَدِيجَةَ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ هَجَرَتْهَا نِسْوَةً مَكَّةَ فَكُنَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَ لَا يُسَلِّمْنَ عَلَيْهَا وَ لَا يَتْرُكْنَ
امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحَشَتْ خَدِيجَةُ لِذَلِكَ»

وقتی حضرت خدیجه با رسول اکرم ازدواج کرد، تمام زنان مکه از خدیجه قهر کردند، و حتی به او سلام
نمی‌دادند و با او رفت و آمد نمی‌کردند، خدیجه کبری از این قضیه خیلی نگران شد.

زنان «مکه» می‌گفتند تو با آن مقام و با آن ثروت رفتی با یک یتیمی که هیچ ثروتی ندارد و هیچ جایگاهی ندارد
ازدواج کردی؛ ولی «خدیجه» با این که خواستگاران زیادی داشت، شخصیت‌های برجسته از عرب برای
خواستگاری او می‌آمدند و «حضرت خدیجه» مردی نمی‌دید که با او ازدواج کند.

ولی وقتی از طرف رسول اکرم، «ابوطالب» برای خواستگاری آمد، آن‌چنان با آغوش باز، آن‌چنان با عشق و
محبت به این خواستگاری لبیک گفت، که در «مکه» مثل توب صدا کرد؛ چون «خدیجه» (سلام الله علیها) در
وجود رسول اکرم چیزی را می‌دید که دیگران نمی‌دیدند. از آینده رسول اکرم مطالبی را خبر داشت که دیگران
بی‌خبر بودند.

«خدیجه» مدت‌ها دنبال یک گمشده‌ای می‌گشت که با آمدن خواستگار رسول اکرم احساس کرد آن گمشده را
پیدا کرده است.

«خدیجه کبری» از این برخورد زنان «مکه» غمناک بود، خیلی ناراحت بود، غصه می‌خورد گاهی گریه می‌کرد.
فاطمه زهرا در رحم «خدیجه» مادر را دلداری می‌داد "مادر نگران نباش، غمگین نباش، گریه نکن، آینده از آن
توست، آینده از آن پدرم است."

«فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ فَاطِمَةُ ع تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا وَ كَانَتْ تَكْتُمُ ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ فَدَخَلَ
رَسُولُ اللَّهِ يَوْمًا فَسَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةُ مَنْ تُحَدِّثِينَ؟»

رسول اکرم وارد اطاق شد، دید «حضرت خدیجه» با کسی حرف می‌زند؛ ولی کسی در اطاق نیست، گفت «خدیجه» با چه کسی حرف می‌زنی؟

«قَالَتِ الْجَيْنِ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَيُؤْنِسُنِي»

گفت این نازنینی که در رحم من است، این با من سخن می‌گوید، این با من مأنوس شده.

این وقتی با من حرف می‌زند غصه‌هایم بر طرف می‌شود، غم‌هایم از بین می‌رود.

«قَالَ يَا خَدِيجَةُ هَذَا جِبْرِئِيلُ يُخْبِرُنِي [بِشْرُنِي] أَنَّهَا أَنْتِ وَأَنَّهَا السُّلَّةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ

تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أَئِمَّةً»

رسول اکرم فرمود یا «خدیجه»! «جبرئیل» الان این‌جا است بشارت می‌دهد، این‌که در رحم تو است دختر است. خدای عالم نسل من را از این دختر قرار خواهد داد، و از نسل ایشان ائمه امت را قرار خواهد داد.

«وَيَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَهُ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ»

تا شب بیستم ماه جمادی رسید. «خدیجه کبری» احساس کرد، زمان ولادت این نوزاد است. همه می‌دانیم یک خانم وقتی نزدیک زایمانش می‌شود، درد سراسر وجود او را فرا می‌گیرد، معمولاً قابله و افرادی می‌آیند در کنار او و او را مساعدت می‌کنند.

امام صادق می‌فرماید:

«فَلَمْ تَزَلْ خَدِيجَةُ عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَضَرَتْ وِلَادَتُهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَ بَنِي هَاشِمٍ أَنْ تَعَالَيْنَ

لِئَلَّيْنِ مَنِّي مَا تَلِي النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ فَأَرْسَلْنَ إِلَيْهَا أَنْتِ عَصِيَّتِنَا وَ لَمْ تَقْبَلِي قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجَتْ مُحَمَّدًا يَتِيمَ

أَبِي طَالِبٍ فَقِيْرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ وَ لَا نَلِي مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا فَأَعْتَمَّتْ خَدِيجَةُ لِذَلِكَ»

«خدیجه کبری» کسی را سراغ زن‌های قریش و زن‌های بنی هاشم فرستاد، هیچ‌کدام جواب ندادند.

گفتند ما هرگز وارد خانه تو نخواهیم شد. غم سراسر وجود «خدیجه کبری» را فرا گرفت.

شما ببینید يك خانم، يکه و تنها می‌خواهد بچه به دنیا بیاورد!

« فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا زَيْغُ نِسْوَةٍ »

در این هنگام بود دید چهار تا خانم قد بلند وارد شدند.

در ابتدا خدیجه ناراحت شد. یکی از آن‌ها گفت:

«لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةُ فَأَرْسَلْنَا رَبُّكَ إِلَيْكَ وَ نَحْنُ أَخَوَاتُكَ أَنَا سَارَةُ وَ هَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقَتُكَ

فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ كَلْتُومُ أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ بَعَثْنَا اللَّهُ إِلَيْكَ لِتَلِي مَنَّا مَا تَلِي

النِّسَاءِ»

یا خدیجه هرگز محزون مباش! من «ساره» هستم. ایشان «آسیه بنت مزاحم» و ایشان «حضرت

مریم» مادر «عیسی» است. ایشان «کلثوم» خواهر موسی است. ما به امر الهی آمده‌ایم در این ولادت

نوزاد تو را یاری کنیم.

تو چرا غصه می‌خوری؟ زنان «مکه» نیامدند، نیامدند؛ در عوض زنان بهشتی آمدند تو را کمک کنند. وقتی فاطمه

زهر را قدم به عالم گیتی نهاد.

«فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ»

وقتی صدیقه طاهره از رحم مادر به دنیا آمد آن‌چنان نوری از او تلالو کرد که تمام خانه‌های «مکه» را

این نور فرا گرفت.

صدیقه طاهره وقتی در زمین قرار گرفت:

«ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْهَا فَتَطَّقَتْ فَاطِمَةَ بِالشَّهَادَتَيْنِ وَ قَالَتْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ
وَ أَنَّ بَغْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ وُلْدِي سَادَةُ الْأَسْبَاطِ»

الأمالی (للسدوق)؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، تاریخ وفات مؤلف: ۳۸۱ ق، محقق / مصحح:

ندارد؛ ناشر: کتابچی، تهران، سال چاپ: ۱۳۷۶ ش، نوبت چاپ: ششم؛ ۵۹۳ تا ۵۹۵

اولین جمله‌ای که از این نوزاد شنیده شد، شهادت به وحدانیت خدای متعال بود. ملائکه به بهشتیان بشارت فاطمه زهرا را دادند. این در حقیقت يك خلاصه‌ای از ولادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است.

د) هدیه بسیار فرح بخش، برای شیعیان

يك نکته‌ای دیگر هم عرض کنم، دل شما خوشحال بشود، دل من حقیر هم خوشحال بشود، در محضر این بی بی دو عالم هستیم. این نکته در مورد شفاعت حضرت زهرا است. این مطلب را بزرگان اهل سنت مفصل آوردند.

آقای «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک» جلد ۳ صفحه ۱۵۳؛ آقای «مناوی» از استوانه‌های علمی اهل سنت در کتاب «فیض القدیر» جلد اول صفحه ۴۲۹ و «مرحوم شیخ صدوق» (رضوان الله تعالی علیه) هم آورده. و در «تفسیر فرات کوفی» صفحه ۲۹۸ هم آمده است.

راوی خدمت امام باقر (سلام الله علیه) می‌آید. راوی چه کسی است؟ راوی «جابر بن عبدالله انصاری» است. ایشان در اواخر عمر، امام باقر را دیده، پیر فرتوت و چشمش را هم از دست داده بود.

ببینید این‌هایی که جایگاه اهل بیت را می‌دانند نحوه حرف زدن‌شان چقدر زیبا است. گفت یابن رسول الله:

«حَدَّثَنِي بِحَدِيثٍ فِي فَضْلِ جَدَّتِكَ فَاطِمَةَ إِذَا أَنَا حَدَّثْتُ بِهِ الشَّيْعَةَ فَرِحُوا بِذَلِكَ»

يك حديثی در فضیلت مادرت زهرا به من بگو، وقتی این حدیث را برای شیعه‌ها نقل کنم، شیعه‌ها خوشحال بشوند.

دلشان خنك بشود، صفا کنند عشق کنند. شما ادب را نگاه کنید: «حَدَّثَنِي بِحَدِيثٍ فِي فَضْلِ جَدَّتِكَ فَاطِمَةَ إِذَا أَنَا حَدَّثْتُ بِهِ الشَّيْعَةَ فَرِحُوا بِذَلِكَ»؛ همه‌اش به فکر شیعه هستند نه به فکر خودشان!

روایت خیلی مفصل است. من فقط عصاره‌اش را عرض کنم و این بشارتی که امام باقر توسط «جابر» به ما داده است خدمتتان تقدیم کنم.

امام باقر فرمود:

«قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نُصِبَ لِلْأَنْبِيَاءِ وَ الرُّسُلِ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ فَيَكُونُ مِنْبِرِي أَعْلَى مَنَابِرِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ... ثُمَّ يُنْصَبُ لِلْأَوْصِيَاءِ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ وَ يُنْصَبُ لِوَصِيِّي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي أَوْسَاطِهِمْ مِنْبَرٌ مِنْ نُورٍ فَيَكُونُ مِنْبَرُهُ [مِنْبَرُ عَلِيٍّ] أَعْلَى مَنَابِرِهِمْ»

فردای قیامت که می‌شود خدای عالم منبری برای تمام انبیاء قرار می‌دهد، همه در بالای منبر هستند و برای نبی مکرم منبری بالاتر از منبر انبیاء است. منبری هم برای امیرالمؤمنین قرار می‌دهند.

«ثُمَّ يُنَادِي الْمُنَادِي ... فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا أَهْلَ الْجَمْعِ لِمَنِ الْكَرَمُ الْيَوْمَ فَيَقُولُ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ [وَ فَاطِمَةُ]»

و بعد منادی صدا می‌کند: امروز فضیلت مال چه کسی است؟ «جبرئیل» پاسخ می‌دهد فضیلت امروز برای محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین است.

منادی صدا می‌زند:

«يَا أَهْلَ الْجَمْعِ طَاطُوا الرُّعُوسَ وَ غُضُّوا الْأَبْصَارَ»

ای محشریان - جایی که از اول خلقت تا آخر خلقت همه جمع هستند- برای عظمت فاطمه سرها به پایین، همه آماده باش، همه دست به سینه باشید.

چرا؟

«فَإِنَّ [إِنَّ] هَذِهِ فَاطِمَةُ تَسِيرُ إِلَى الْجَنَّةِ»

زهرا است که طرف بهشت می‌خواهد برود.

تفسیر فرات الکوفی؛ نویسنده: کوفی، فرات بن ابراهیم، محقق / مصحح: کاظم، محمد، ناشر: مؤسسة

الطبع و النشر في وزارة الإرشاد الإسلامي، ص ۲۹۸ و ۲۹۹

«مناوی» در کتاب «فیض القدير» می‌گوید این که می‌گویند:

«(غضوا أبصاركم) ... القصد بذلك إظهار شرفها ونشر فضلها بين الخلائق فلا إيدان فيه بكونها سافرة كما

قد يتوهم من الأمر بالغض...»

فیض القدير شرح الجامع الصغير، اسم المؤلف: عبد الرؤوف المناوي الوفاة: ۱۰۳۱ هـ ، دار النشر: المكتبة

التجارية الكبرى - مصر - ۱۳۵۶هـ ، الطبعة: الأولى، ج ۱، ص ۴۲۹

معنايش این نیست که صديقه طاهره (نستجير بالله) در آن جا بی حجاب است تا بگوید چشم‌هایتان را ببندید.

بعضی‌ها نمی‌فهمند! يك سنی قشنگ مسئله را فهمیده می‌گوید: (غضوا أبصاركم)؛ چشم‌هایتان را ببندید، نه

این که زهرا نامحرم است. بلکه می‌خواهد خدای عالم عظمت فاطمه را برای تمام خلائق بیان کند.

شما وقتی نزد يك بزرگی می‌روید معمولا عظمت آن بزرگ، شما را وادار می‌کند سرتان پایین باشد، روبرو نگاه نمی‌کنید، این نگاه کردن به زیر و سر به زیر انداختن نشانه‌ی تعظیم انسان برای بزرگ است. این تعبیر «مناوی» صاحب «فیض القدير» از علمای اهل سنت است.

فاطمه زهرا دم در بهشت می‌آید. تعبیر خیلی زیبا است:

«فَإِذَا صَارَتْ عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ تَلْتَفَتُ»

صدیقه طاهره وارد بهشت نمی‌شود به عقب نگاه می‌کند.

«فَيَقُولُ اللَّهُ يَا بِنْتُ حَبِيبِي مَا التَّفَاتُكَ وَ قَدْ أَمَرْتُ بِكَ إِلَى جَنَّتِي [الْجَنَّةِ]»

چرا به پشت سر نگاه می‌کنی؟

«فَتَقُولُ يَا رَبِّ أَحْبَبْتُ أَنْ يُعْرِفَ قَدْرِي فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ»

عرض می‌کند: خدایا! من می‌خواهم امروز فضیلت و جایگاه من در نزد تو برای خلائق روشن بشود.

«فَيَقُولُ اللَّهُ [تَعَالَى] يَا بِنْتُ حَبِيبِي اِزْجِعِي فَأَنْظُرِي مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حُبٌّ لَكَ أَوْ لِأَخِي مِنْ دُرِّيَّتِكَ حُذِي

بِيَدِهِ فَأَدْخِلِيهِ الْجَنَّةَ.»

خطاب می‌آید زهرا جان برگرد تمام کسانی که در قلب او محبت تو، محبت علی و محبت فرزندان

است همه را سوا کن و وارد بهشت کن!

صدیقه طاهره بر می‌گردد، تمام کسانی که عشق به علی و به بچه‌های علی داشتند، محبتی به علی و به بچه‌های

علی داشته‌اند را جدا می‌کند.

«قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ اللَّهُ يَا جَابِرُ إِنَّهَا ذَلِكَ الْيَوْمَ لَتَلْتَقَطُ شَيْعَتُهَا وَ مُجَبِّبِهَا كَمَا يَلْتَقِطُ الطَّيْرُ الْحَبَّ الْجَيِّدَ مِنَ الْحَبِّ الرَّدِيِّ فَإِذَا صَارَ شَيْعَتُهَا مَعَهَا عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ يُلْقِي اللَّهُ فِي قُلُوبِهِمْ أَنْ يَلْتَفِتُوا فَإِذَا التَّفَّتُوا يَقُولُ [فَيَقُولُ] اللَّهُ يَا أَحِبَّائِي مَا التَّفَاتُكُمْ وَ قَدْ شَفَعْتُ فِيكُمْ فَاطِمَةُ بِنْتُ حَبِيبِي فَيَقُولُونَ يَا رَبِّ أَحْبَبْنَا أَنْ يُعْرِفَ قَدْرُنَا فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ»

امام باقر (سلام الله عليه) می‌فرماید: ای جابر! در آن روز همان طوری که یک پرنده دانه‌های سالم را از غیر سالم جدا می‌کند، دوستداران علی را جدا می‌کند تا دم در بهشت می‌برد. خطاب می‌آید شما به شفاعت زهرا وارد بهشت بشوید. این‌ها عرض می‌کنند خدایا! ما که به شفاعت زهرا نائیل شدیم می‌خواهیم قدر ما برای خلائق روشن بشود.

این‌جا خیلی زیبا است.

«فَيَقُولُ اللَّهُ يَا أَحِبَّائِي ازْجِعُوا وَ انظُرُوا مَنْ أَحَبَّكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ انظُرُوا مَنْ أَطَعَكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ انظُرُوا مَنْ كَسَاكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ انظُرُوا مَنْ سَقَاكُمْ شَرْبَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ انظُرُوا مَنْ رَدَّ عَنْكُمْ غِيْبَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ حُدُوا بِبَيْدِهِ وَ أَدْخُلُوهُ الْجَنَّةَ.»

این شیعیانی که به محبت و شفاعت زهرا دم در بهشت آمده‌اند خدای عالم به این‌ها خطاب می‌کند بر گردید. هرکس به شما به خاطر محبت علی و زهرا غذا داده، آب داده، لباس داده، مسکن داده، و در حق شما محبت کرده این‌ها را جدا کنید با خودتان وارد بهشت کنید.

می‌گوید این شیعیانی که به شفاعت زهرا رسیده‌اند می‌آیند تمام کسانی که در حق آن‌ها به عشق زهرا محبت کرده‌اند را جدا می‌کنند، این‌ها را وارد بهشت می‌کنند.

بعد آقا امام باقر می‌فرماید:

«وَاللَّهِ لَا يَبْقَى فِي النَّاسِ إِلَّا شَاكٌّ أَوْ كَافِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ»

جز کافر و جز منافق دیگر در عرصات محشر کسی باقی نمی‌ماند!

تفسیر فرات الکوفی؛ نویسنده: کوفی، فرات بن ابراهیم، محقق / مصحح: کاظم، محمد، ناشر: مؤسسه

الطبع و النشر في وزارة الإرشاد الإسلامي، ص ۲۹۸ و ۲۹۹

غیر از کفار و منافقین، همه به برکت شفاعت شیعیانی که به شفاعت زهرا رسیده‌اند وارد بهشت می‌شوند. این روایتی است که امام باقر برای «جابر» خوانده است. «جابر» می‌گوید من این را برای شیعیان بگویم تا دل‌شان خنک بشود.

امروز که در آستانه ولادت صدیقه طاهره هستیم من یک دفعه به ذهنم افتاد که در جمع شما این روایت را بخوانم قلب شما خنک بشود، به حضرت زهرا عشق بورزید و خدا را شاکر باشید.

امشب شب میلاد است هرچه از آقا امام زمان می‌خواهید بخواید و به مادرش زهرا قسمش بدهید، من که بر این عقیده هستم، قسم به زهرا، اگر یوسف زهرا را، به زهرا قسم بدهید رد نمی‌کند.

فاطمه معصومه را قسم بدهید تا به خاطر حضرت زهرا به شما عیدی بدهد. قطعا این‌ها کریم و فرزند کریم هستند و این‌ها سائل و زائر را دست خالی بر نمی‌گردانند. عرایض من تمام است دو جمله دعا کنم تا ان شاء الله دعای ندبه شروع شود.

خدایا نام زهرا در محفل ما برده شد، قلب‌ها خنک شد، اشک‌های شوق جاری شد. خدایا تو را قسمت می‌دهیم به آبروی زهرا و به عصمت زهرا هرچه سریعتر فرج فرزند زهرا حجت ابن الحسن را نزدیک بگردان.

ما را از یاران خاص، سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده. انقلاب ما را به انقلاب جهانی اش متصل بفرما. خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت در هر لباس و منصبی که هستند بالاخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار.

خدا تو را قسمت می‌دهیم به آبروی زهرا رفع گرفتاری از همه گرفتاران مخصوصا عزیزان حاضر در محفل ما بفرما. خدا به آبروی زهرا حوائج همه و حوائج جمع ما را برآورده نما، دعاهایمان به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صالحین، صدقین بالاخص «امام راحل» و دو تا یادگارش صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ